

# تورات

درس  
دهم

يوسف و برادرانش



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2021 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تورات (درس شماره ۱۰: یوسف و برادرانش)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) ساختار و محتوا

ناهماهنگی پاتریارکی

یوسف برادرانش را تحریک می‌کند

برادران یوسف را فروختند

حکمرانی تهدیدآمیز یوسف

گناه یهودا در کنعان

موفقیت یوسف در مصر

آشتی و گردهمایی

سفر اول

سفر دوم

سفر سوم

حکمرانی نیک‌خواهانه یوسف

هماهنگی پاتریارکی

تمهیدات خانوادگی یعقوب

تمهیدات خانوادگی یوسف

(۳) مضامین اصلی

تاکیدات مشترک

فیض خدا به اسرائیل

وفاداری اسرائیل به خدا

برکات خدا به اسرائیل

برکات خدا از طریق اسرائیل

تاکیدات ویژه

وحدت ملی

تنوع قومی

(۴) نتیجه‌گیری

## یوسف و برادرانش

### مقدمه

خواهران و برادران در خانواده‌هایی با املاک بسیار، اغلب بر سر اینکه چه کسی بیشترین سهم ارث را دریافت می‌کند با یکدیگر درگیر هستند. وقتی زمان انتقال اموال از نسلی به نسل دیگر فرا می‌رسد، حتی برادران و خواهرانی که قبلاً یکدیگر را بسیار دوست داشتند، ممکن است چنان دچار اختلاف شوند که فقط خدا می‌تواند پیوندهای محبت بین آنان را دوباره برقرار کند. کتاب پیدایش به ما می‌آموزد که برای خانواده پاتریارک‌های اسرائیل، یوسف و برادرانش نیز همینطور بود. رقابت آنها بر سر ارث پدرشان یعقوب به قدری تلخ شد که حل آن غیر ممکن به نظر می‌رسید. اما همانطور که در این درس خواهیم دید، خدا یوسف و برادرانش را آشتی داد و پیوند محبت بین آنها را دوباره برقرار کرد. حل این مسئله مسیری را برای روابط بین دوازده سبط اسرائیل در سراسر عهد عتیق ترسیم کرد. و همچنان نیز امروز روابط بین پیروان مسیح را هدایت می‌کند.

این درس از «تورات» به بخشی از کتاب پیدایش اختصاص دارد که به «یوسف و برادرانش» می‌پردازد. ما به برخی از جزئیات در پیدایش ۳۷: ۲-۵۰: ۲۶ نگاه خواهیم کرد؛ داستان رابطه پر مشکل یوسف و برادرانش. پیش از آنکه به سراغ موضوع اصلی مان برویم، خوب است که محتوای اصلی کتاب پیدایش را مرور کنیم. در درس‌های دیگر دیدیم که پیدایش به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود. هر قسمت طراحی شده بود که مخاطبان اولیه اسرائیلی موسی را به شیوه‌های خاصی مورد خطاب قرار دهد. قسمت اول که به تاریخ آغازین می‌پردازد، در پیدایش ۱: ۱-۱۱: ۱۹ یافت می‌شود. در این بخش، موسی به اسرائیلیان نشان داد که خواندگی اسرائیل به سرزمین کنعان، ریشه در وقایعی داشت که خدا در مراحل اولیه تاریخ جهان انجام داده بود. قسمت دوم، تاریخ پاتریارکی قدیمی‌تر را در پیدایش ۱۱: ۱۰-۳۷: ۱ ثبت کرده است. در اینجا موسی به این موضوع پرداخت که چطور زندگی ابراهیم، اسحاق، و یعقوب درباره مشکلاتی صحبت می‌کرد که اسرائیلیان در سر راه خود به سوی سرزمین وعده با آنها روبرو بودند. و سومین قسمت، تاریخ پاتریارکی موخر در پیدایش ۳۷: ۲-۵۰: ۲۶، داستان یوسف و برادرانش را تعریف می‌کند. درس ما بر این آخرین قسمت از پیدایش تمرکز می‌کند. همانطور که خواهیم دید، هدف موسی در این بخش از پیدایش شامل چندین درس برای مخاطبین اولیه‌اش بود، اما به طور کلی:

داستان یوسف و برادرانش به اسباط اسرائیل آموخت که چگونه در حین تسخیر سرزمین موعود و استقرار در آن، در کنار یکدیگر با هماهنگی زندگی کنند.

درس ما دربارهٔ یوسف و برادرانش به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، به بررسی ساختار و محتوای این باب‌ها خواهیم پرداخت؛ اینکه چطور طرح ادبی و موضوع آنها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. دوم، به تعدادی از مضامین عمده‌ای نگاه خواهیم کرد که موسی بر آنها برای اسباط اسرائیل تاکید کرد و اینکه این مضامین دربارهٔ مسیحیان امروزی چگونه کاربرد دارند. بیا با نگاه به ساختار و محتوای این بخش از پیدایش آغاز کنیم.

## ساختار و محتوا

هر کسی که با داستان یوسف و برادرانش آشنا باشد، می‌داند که این داستان شامل شخصیت‌های بسیار، زمینه‌های فرهنگی متفاوت، و چند داستان فرعی پیچیده است. این ویژگی‌ها به قدری پیچیده هستند که می‌توان به راحتی مشغول جزئیات شد و ساختار ادبی فراگیری که آنها را در کنار هم نگه داشته است نادیده گرفت. اما توجه به اینکه چطور ساختار و محتوای این فصول در کنار یکدیگر عمل می‌کنند به ویژه از این جهت اهمیت دارد که روایت یوسف و برادرانش یک نمایش بسیار یکپارچه است.

آنچه موسی از پیدایش ۳۷: ۲-۵۰: ۲۶ ارائه می‌کند، یک نمایش پنج مرحله‌ای بسیار متحد را شکل می‌دهد:

- مشکل ابتدایی داستان در پیدایش ۳۷: ۲-۳۶، یک ناهماهنگی پاتریارکی دربارهٔ حکمرانی آیندهٔ یوسف را نشان می‌دهد.
- مرحلهٔ دوم، یا نقطهٔ اوج در ۳۸: ۱-۴۱: ۵۷ بر حکمرانی تهدیدآمیز یوسف تمرکز می‌کند - به قدرت رسیدن او در مصر.
- مرحلهٔ سوم در ۴۲: ۱-۴۷: ۱۲ نقطهٔ عطف نمایش است که به آشتی پاتریارک‌ها و دور هم جمع شدن آنها در مصر می‌پردازد.
- مرحلهٔ چهارم یا نقطهٔ حضيض در ۴۷: ۱۳-۲۷ از حکمرانی نیک‌خواهانهٔ یوسف در مصر گزارش می‌دهد.
- و حل نهایی نمایش در ۴۷: ۲۸-۵۰: ۲۶ به توصیف نظم پاتریارکی تحت حکمرانی یوسف می‌پردازد.

در دهه‌های اخیر، تعدادی از مفسرین کوشیده‌اند تا نشان دهند که این باب‌ها در پیدایش، یک لف و نشر نامرتب هم‌مرکز گسترده را شکل می‌دهند:

یک ساختار ادبی که در آن بخش‌های قبل و بعد از یک قطعهٔ اصلی، به صورت موازی یا متعادل با یکدیگر می‌آیند.

اکثر این تلاش‌ها، این دیدگاه را بسیار فراتر از آنچه که باید، برده‌اند. اما آنها به یک تقارن چشمگیر در مقیاسی گسترده اشاره می‌کنند که باعث انسجامی در کلیت روایت یوسف و برادرانش می‌شود. دشوار نیست ببینیم که به طور کلی، روایت با یک ناهماهنگی پاتریارکی آغاز می‌شود و با یک هماهنگی پاتریارکی در حل نهایی نمایش تمام می‌شود. نقطهٔ اوج حکمرانی تهدیدآمیز یوسف در مصر، در توازن با نقطهٔ حضيض حکمرانی نیک‌خواهانهٔ او در مصر قرار می‌گیرد. و نقطهٔ عطف یا مدار – گذار از ناهماهنگی و تهدید به هماهنگی و نیک‌خواهی – آشتی و اتحاد مجددی است که در مصر رخ می‌دهد. ما به این قسمت‌ها را به ترتیبی که موسی ارائه کرده است، بررسی خواهیم کرد. اما درک این توازن چشمگیر اساسی در حین بررسی تعدادی از جزئیات در داستان یوسف و برادرانش برای‌مان مفید خواهد بود.

محتوای داستان یوسف و برادرانش، بیش از هر بخش دیگری از کتاب پیدایش پیچیدگی ادبی را نشان می‌دهد. این کتاب فهرستی طولانی از شخصیت‌ها دارد و بسیاری از آنها را دارای شخصیتی سه بُعدی و در حال تغییر نشان می‌دهد. صحنه‌ها به وضوح به تصویر کشیده شده‌اند. کنایه، طنز، و تراژدی در سرتاسر داستان هویدا می‌شود. روایت شامل بسیاری از رویدادهای غیرمنتظره است که وقایع دیگری را به یاد می‌آورند و پیش‌بینی می‌کنند. به این ترتیب، این بخش از کتاب پیدایش در نظر داشت مخاطبان اصلی اسرائیلی چیزی بسیار فراتر از آنچه که ما می‌توانیم در این درس بررسی کنیم را در نظر بگیرند. بنابراین، به دلیل کمبود وقت، تنها به چند نظر دربارهٔ محتوای هر فصل بسنده می‌کنیم.

### ناهماهنگی پاتریارکی (پیدایش ۳۷: ۲-۳۶)

موسی داستان خود را در پیدایش ۳۷: ۲-۳۶ با مشکل چشمگیر ناهماهنگی پاتریارکی دربارهٔ حاکمیت آیندهٔ یوسف شروع می‌کند. این فصل آغازین دربردارندهٔ دو قسمت است که با یکدیگر نشان می‌دهند چطور ناهماهنگی در خانوادهٔ یوسف در گذر زمان بدتر شد. قسمت اول، در ۳۷: ۲-۱۱، نشان می‌دهد که چگونه یوسف به طور فزاینده‌ای برادران خود را تحریک کرد. و قسمت دوم، در آیات ۱۲-۳۶ از این سخن می‌گوید که چطور برادران، یوسف را به بردگی فروختند. بیایید ببینیم یوسف چطور برادرانش را تحریک کرد.

### یوسف برادرانش را تحریک می‌کند

موسی ابتدا یوسف را به عنوان مرد جوان ساده‌ای به تصویر می‌کشد که مورد علاقهٔ پدرش بود. برای مثال در آیهٔ ۳، یعقوب ردایی مزین به یوسف می‌دهد که باعث حسادت برادرانش می‌شود. آیهٔ ۴ به ما می‌گوید، برادرانش، «از او کینه داشتند و نمی‌توانستند با وی به سلامتی سخن گویند.» سپس، اوضاع بدتر می‌شود و در دو بخش دیگر،

یوسف دربارهٔ رویاهایش نسبت به استیلائی آینده‌اش بر خانوادهٔ خود، رجزخوانی کرد. به همین دلیل، موسی در آیات ۵ و ۸ نوشت که برادران یوسف «بر کینهٔ او افزودند.» و آیهٔ ۱۱ به ما می‌گوید که برادرانش «بر او حسد بردند.»

دلیل ناهماهنگی بین یوسف و برادرانش... من می‌توانم دو دلیل ذکر کنم. یکی اینکه پدرش زیباترین ردا را برای او دوخت و آن ردا، برادران دیگرش به آن نگاه کردند و گفتند، «من، من فکر می‌کنم باید این ردا را داشته باشم. این ردا باید مال من شود.» و وقتی ما به خودمان نگاه می‌کنیم، ما حتی در این جامعه هم ناهماهنگی داریم، چون بعضی مردم زندگی بهتری دارند و ناهماهنگی را در دیگران می‌بینیم که از خودشان می‌پرسند، «چرا من مانند این فرد دیگر نیستم؟» ما حتی در کلیسا هم این را داریم. ما به کسی نگاه می‌کنیم که بیمار است و دیگران که سلامت هستند و از خودمان می‌پرسیم، «چرا ما سلامت نیستیم؟» بنابراین، بخشش بهترین چیز به یوسف زمانی که دیگران آن را نداشتند، باعث برخی ناهماهنگی‌ها شد. دلیل دوم: شکستگی ذات بشر. برادران حسود بودند، و می‌دانید، چون برادرشان یک ردای بهتر از آنها داشت، که از مال آنها زیباتر بود، حسادت کردند. و تخم حسادت را در همهٔ خودمان پیدا می‌کنیم. نه فقط در آن برادران، که در همهٔ ماست. اما ما به عنوان مسیحیان باید ابتدا آن را شناسایی کنیم و بدانیم که این گناه حسادت است و می‌توانیم جلوی آن را بگیریم.

– کشیش دکتر سیپریان گوجیندا

پس از معرفی ناهماهنگی پاتریارکی که نتیجهٔ تحریک برادران توسط یوسف بود، موسی به سراغ دومین بخش از ۳۷: ۱۲-۳۶ می‌رود. این آیات حاوی یک روایت کوتاه هستند که توضیح می‌دهد برادران یوسف چطور او را به بردگی فروختند.

### برادران یوسف را فروختند

در اینجا می‌بینیم که برادران، یوسف را گرفتند، ردای مزین او را از تنش بیرون آوردند، و نقشهٔ قتل او را کشیدند. روبین، مسن‌ترین برادر، تلاش بی‌هوده‌ای برای فراری دادن یوسف انجام داد. اما در انتها، این یهودا بود که دیگر برادران را متقاعد کرد تا به جای قتل یوسف، او را به بردگی بفروشند. این قسمت، با گزارش غم‌انگیز و فریب‌کارانه به یعقوب تمام می‌شود، مبنی بر اینکه یوسف توسط حیوانی وحشی دریده شده است. برادران ردای آغشته به خون یوسف را به یعقوب دادند و او به عزایی عمیق نشست.

این دو قسمت در کنار همدیگر، معرف مشکل چشمگیری هستند که زمینه را برای کلیت داستان یوسف و برادرانش آماده می‌کند. این سرآغاز ناهماهنگی غم‌انگیز در بین پاتریارک‌های اسباط اسرائیل بود.

پس از مشکل آغازین ناهماهنگی پاتریارکی در مورد حاکمیت آینده یوسف، موسی دومین قدم را برداشت. در ۳۸: ۱-۴۱: ۵۷ موسی از نقطه اوج حکمرانی تهدیدآمیز یوسف صحبت کرد.

### حکمرانی تهدیدآمیز یوسف (پیدایش ۳۸: ۱-۴۱: ۵۷)

در این بخش، موسی با ارائه بینش‌هایی به مخاطبان خود که شخصیت‌های داستان فاقد آن بودند، کنایه‌های چشمگیری را به کار گرفت. نخست، برادران یوسف - که در اینجا یهودا نماینده آنهاست - در کنعان زندگی می‌کردند و ظاهراً مطمئن بودند که مانع از برتری یوسف بر خودشان شده‌اند. اما، در حالیکه سایر شخصیت‌ها بی‌خبر بودند، حکمرانی یوسف بسیار دورتر، در مصر، در حال اوج‌گیری بود. خدا بردگی یوسف را به مسیری برای استیلای او بر خانواده‌اش تبدیل کرد.

تمرکز بر حکمرانی تهدیدآمیز یوسف، به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در وهله اول، ۳۸: ۱-۳۰، گناه یهودا علیه تamar در کنعان را تشریح می‌کند. سپس، در ۳۹: ۱-۴۱: ۵۷، از موفقیت یوسف در مصر آگاه می‌شویم. بیاید به گناه یهودا در کنعان نگاه کنیم.

### گناه یهودا در کنعان (پیدایش ۳۸: ۱-۳۰)

یهودا در این فصل به مرکز داستان منتقل می‌شود زیرا او به جای روبین، در فصل قبل برادرانش را از قتل یوسف بازداشت. بنابراین، این بخش نشان‌دهنده اعمال آن پسر یعقوب است که از بالاترین جایگاه در میان برادرانش برخوردار بود. بخش گناه یهودا در کنعان، با گزارش تولد پسران یهودا در ۳۸: ۱-۵ آغاز می‌شود. لحن اخلاقی در آیه ۲ مشخص می‌شود که می‌آموزیم یهودا با زنی کنعانی ازدواج کرد.

در آیات ۶-۱۱، روایتی از پسران یهودا و تamar پیدا می‌بینیم. نخست، یهودا تamar را به بزرگترین پسر خود، عیر، داد. وقتی عیر فوت کرد، یهودا تamar را به اونان، پسر دومش داد. عمل زن‌برادری، یا ازدواج برادرشوهر با بیوه بی‌فرزند، در تثبیه ۲۵: ۵-۱۰ فرمان داده شده بود. این عمل از وجود یک وارث برای برادر فوت شده اطمینان حاصل می‌کرد و نیز بیوه او را تحت مراقبت قرار می‌داد. اما در آیه ۹، اونان از اینکه فرزندی به تamar بدهد اجتناب می‌کند. بنابراین در آیه ۱۰، خدا جان اونان را نیز می‌گیرد. یهودا ترسید که سومین پسرش، شیله جوان نیز به سرنوشت مشابهی دچار شود. بنابراین نپذیرفت که به او اجازه دهد تا با تamar ازدواج کند. در عوض، تamar را با سرشکستگی نزد پدرش فرستاد.

در آیات ۱۲-۲۶، روایت وسوسه یهودا توسط تamar را می‌بینیم. وقتی تamar متوجه شد که قرار نیست با شیله ازدواج کند، خود را به شکل یک فاحشه درآورد و یهودا را وسوسه کرد. او هوشمندانه، با نگه داشتن مهر و زنار و عصایی که یهودا به جای پول به وی داد، یهودا را فریب داد. سه ماه بعد، در آیات ۲۴-۲۶، یهودا می‌شنود که تamar



باردار است و با خشم فرمان به اعدام او می‌دهد. اما تamar مهر و زُنا و عصایی که یهودا به او داده بود را ارائه می‌کند. و هنگامی که یهودا به آنچه انجام داده بود پی برد، به گناه خود اعتراف کرد. گوش کنید که یهودا در پیدایش ۳۸: ۲۶ چه می‌گوید:

او از من بی‌گناه‌تر است، زیرا که او را به پسر خود شیله ندادم (پیدایش ۳۸: ۲۶).

همانطور که این آیه نشان می‌دهد، یهودای پاتریارک اعتراف کرد که گناه او بدتر از هر آنچه بوده که تamar انجام داده بود. او در اعتراف فروتنانه و توبه خود، نمونه بود. در نتیجه این تغییر قلب، داستان گناه یهودا علیه تamar پایانی مثبت دارد. موسی در نقطه مقابل بخش آغازین درباره پسران یهودا با زنی کنعانی، این قسمت را در آیات ۲۷ تا ۳۰ با گزارشی از تولد پسران یهودا از تamar به پایان می‌برد. فارص و زارح هر دو از نام‌های برجسته در سبط یهودا شدند.

با در نظر داشتن وقایع گناه یهودا در کنعان، بیایید به سراغ دومین بخش مرتبط با حکمرانی تهدیدآمیز یوسف برویم. این بخش که در پیدایش ۳۹: ۱-۴۱ قرار دارد، یک روایت طولانی از موفقیت یوسف در مصر است.

### موفقیت یوسف در مصر (پیدایش ۳۹: ۱-۴۱: ۵۷)

این بخش به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود. قسمت اول در ۳۹: ۱-۲۳ درباره انتقال یوسف از خانه فوطیفار به زندان خبر می‌دهد. پس از اینکه یوسف به مصر رسید، سریعا مورد لطف فوطیفار قرار گرفت و بر خانه او گمارده شد. اما همسر فوطیفار کوشید که یوسف را وسوسه کند. وقتی شکست خورد، یوسف را به سوءرفتار متهم کرد. علیرغم اینکه یوسف در برابر پیشروی‌های او مقاومت کرد، اما فوطیفار تهمت‌های دروغین همسرش را باور کرد. او یوسف را به زندان فرعون فرستاد؛ جایی که یوسف به سرعت اعتماد زندانیان را جلب کرد. از آنجایی که این فصل پس از روایت گناه یهودا با تamar می‌آید، به وضوح بی‌اخلاقی پیشین یهودا را با پاکی اخلاقی یوسف مقایسه می‌کند.

وقتی داستان یهودا و تamar را می‌خوانم، تقریبا احساس می‌کنم که باید کمی در آن دستکاری کنم و داستان را بردارم و آن را در جای دیگری قرار بدهم. و با این وجود، وقتی شما واقعا محتوای این بخش را می‌خوانید، تشخیص می‌دهید که چرا خدا می‌باید این داستان را درست پس از شروع داستان یوسف قرار بدهد. من فکر می‌کنم او این کار را می‌کند چون می‌خواهد تضاد بین یک مرد گناهکار و یک مرد عادل را نشان بدهد. یوسف می‌خواهد در برابر وسوسه جنسی همسر فوطیفار مقاومت کند. یهودا در حقیقت با اراده خودش درگیر فحشا می‌شود، شاید حتی فحشایی

که در اماکن مذهبی اتفاق می‌افتاد. و بنابراین شما این تضاد را می‌بینید و این حقیقت که خدا یوسف را با با سهمی دو برابر یک نخست‌زاده برکت می‌دهد، در حالی که او یک نخست‌زاده نیست، اما او کسی است که هادی خانواده‌اش در یک راه صحیح می‌شود.

- دکتر استفان پرامر

دوم، در ۴۰: ۴۱-۴۵، یوسف از زندان به دربار فرعون منتقل شد. در این قسمت موسی توضیح داد که چگونه یوسف با تعبیر خواب مقامات فرعون در مسیر به قدرت رسیدن قرار گرفت. سپس بعدتر، او رویای فرعون درباره هفت سال برکت و هفت سال قحطی را تعبیر کرد.

در سومین قسمت، ۴۱: ۴۶-۵۷، موسی حکمرانی یوسف در دربار فرعون را خلاصه کرد. در این قسمت موسی از چندین راهی گزارش می‌دهد که یوسف اقتدار خود را در مصر اعمال می‌کرد، و پس از شخص فرعون، نفر دوم بود. در هر قسمت از موفقیت یوسف، موسی روشن کرد که یوسف نه به دلیل نبوغ خود، بلکه به دست خدا به قدرت رسیده است.

حال که ناهماهنگی پاتریارکی درباره حاکمیت آینده یوسف، و حکمرانی تهدیدآمیز یوسف در مصر را بررسی کردیم، باید به سراغ نقطه عطف مرکزی داستان برویم: آشتی و گردهمایی پاتریارک‌ها در مصر که در پیدایش ۴۲: ۴۷-۱۲ ثبت شده است.

### آشتی و گردهمایی (پیدایش ۴۲: ۱-۴۷: ۱۲)

روایت مرکزی آشتی و گردهمایی شامل سه سفر است که توسط خانواده یوسف از کنعان به مصر انجام شد و ارتباط نزدیکی با هم دارند. اولین سفر در پیدایش ۴۲: ۱-۳۸ است. دومین سفر در ۴۳: ۱-۴۵: ۲۸ یافت می‌شود. و سومین سفر را می‌توان در ۴۶: ۱-۴۷: ۱۲ دید. بیابید نگاهی به اولین سفر بیندازیم.

### سفر اول (پیدایش ۴۲: ۱-۳۸)

اولین سفر، ساده‌ترین در بین سه مورد است و می‌تواند به سه قسمت تقسیم شود. نخست، در ۴۲: ۱-۵ برادران به دلیل قحطی عظیم، از کنعان به مصر سفر کردند. در این قسمت، یعقوب تمام برادران یوسف به جز بنیامین را برای خرید مواد غذایی از مصر فرستاد.

دومین قسمت در ۴۲: ۶-۲۸، به وقایع زمانی در مصر می‌پردازد که یوسف برای اولین بار برادران خود را شناخت. یوسف هویت خود را برای برادرانش آشکار نکرد، اما شخصیت آنها را با فرستادنشان به کنعان برای آوردن بنیامین، آزمایش کرد. در ابتدا یوسف تهدید کرد که همه آنان به جز یکی را در زندان نگه دارد تا زمانی که بنیامین

به مصر برسد. در نتیجه، برادران متوجه شدند که زمان حساب پس دادن شان فرا رسیده است. در ۴۲: ۲۱، به یکدیگر گفتند: «مطمئننا به خاطر آنچه نسبت به برادرمان انجام دادیم در حال تنبیه شدن هستیم.» سه روز بعد، یوسف همه آنها را به جز شمعون فرستاد تا بنیامین را همراه خود بیاورند. او دستور داد تا کیسه‌های همه آنها را از گندم و از نقره‌ای پر کنند که برای خرید گندم با خود آورده بودند. وقتی برادران در حال سفر بازگشت بودند، یکی از آنان متوجه نقره در کیسه خود شد. آنها ترسیده بودند و تعجب خود را در آیه ۲۸ نشان دادند: «این چیست که خدا به ما کرده است؟»

قسمت سوم، در آیات ۲۹-۳۸ گزارش می‌دهد که وقتی برادران به کنعان برگشتند، چه اتفاقی افتاد. آنها تلاش کردند پدرشان را متقاعد کنند که بنیامین را همراهشان به مصر بفرستد، اما یعقوب قبول نکرد. از همین رو، برادران در کنعان ماندند.

### سفر دوم (پیدایش ۴۳: ۱-۴۵: ۲۸)

با نگاهی کوتاه به سفر اول، بیایید به سراغ اتفاقات دومین سفر در پیدایش ۴۳: ۱-۴۵: ۲۸ برویم. سفر دوم اگرچه تا حدودی پیچیده‌تر از سفر اول است، اما باز هم به سه بخش عمده تقسیم می‌شود. قسمت اول در ۴۳: ۱-۱۴، مربوط به پیش از سفر برادران به مصر است. پس از اینکه ذخیره مواد غذایی آنان تمام شد، یعقوب در نهایت موافقت کرد تا بنیامین را همراه آنها به مصر بفرستد.

دومین قسمت در ۴۳: ۱۵-۴۵: ۲۴ شامل تصویری طولانی از وقایع مصر است. نخست در ۴۳: ۱۵-۳۴، یوسف از برادرانش در یک ضیافت بزرگ در خانه خود استقبال کرد. اما همچنان به پنهان‌سازی هویت خود ادامه داد. با توجه به ۴۳: ۳۰، یوسف چنان از دیدن بنیامین منقلب شد، که اتاق را ترک کرد تا در خلوت گریه کند. در ۴۴: ۱-۱۳، یوسف برادران خود را بیشتر آزمایش کرد. او به مباشر خود دستور داد تا کیسه‌های آنها را از گندم و نقره پر کند، و یک جام نقره را نیز در کیسه بنیامین قرار دهد. و بعد یوسف برادران خود را به کنعان فرستاد. اما طبق دستور یوسف، مباشر خود را به برادران رساند. او جام نقره را در کیسه بنیامین «پیدا» کرد و برادران را به خانه یوسف برگرداند.

در آیات ۱۴-۳۴، یهودا از یوسف رحمت طلبید و در آیه ۱۶ اعتراف کرد: «خدا گناه ما را آشکار نموده است» (ترجمه مؤده). سپس یهودا با از خودگذشتگی پیشنهاد کرد که خودش به جای بنیامین در مصر بماند. یوسف از درخواست فروتنانه یهودا متاثر شد، و در ۴۵: ۱-۱۵، در نهایت هویت خود را برای برادرانش آشکار کرد. ۴۵: ۲ به ما می‌گوید: «به آواز بلند گریست، و مصریان و اهل خانه فرعون شنیدند.» یوسف در آیه ۷ توضیح داد که خدا او را به مصر فرستاد تا «برای شما بقیتی در زمین نگاه دارد، و شما را به نجاتی عظیم احیا کند.» او سپس به برادرانش

دستور داد تا پدرشان یعقوب را به مصر بیاورند. این صحنه در آیات ۱۴-۱۵ با منظره‌ای تاثیرگذار پایان می‌گیرد که یوسف و بنیامین در آغوش یکدیگر گریه می‌کنند و یوسف برادرانش را می‌بوسد و با آنها صحبت می‌کند.

قسمت میانی داستان یوسف، دربارهٔ آشتی بین یوسف و برادرانش است. او به مصر رفته بود، مشکلاتی پیش آمده، برادران یوسف در جستجوی غذا و کمک برای قحطی آمده‌اند، اما در میان آن، به ویژه در باب ۴۵، ما این تصویر باشکوه را داریم - واقعا باشکوه - یکی از چشمگیرترین و احساسی‌ترین قسمت‌های کل کتاب پیدایش، و زمانی هست که یوسف و برادرانش نهایتا با هم آشتی می‌کنند. و چیزی که می‌بینید این هست که آنها همدیگر را در آغوش می‌گیرند و گریه می‌کنند و گریه و گریه. آنها به قدری در این باب و کمی قبل از آن گریه می‌کنند که حتی مصری‌ها تعجب می‌کنند که دلیل این همه گریه چیست. و بنابراین، این یک تصویر دوست‌داشتنی است چون ناهماهنگی زیادی در بین برادران وجود داشت، اما در آن لحظه آنها کاملا متحد بودند. و این اتحاد از این حقیقت می‌آید که اول، یوسف برادرانش را امتحان کرد و متوجه شد که آنها تغییر کرده‌اند. آنها مانند زمانی نبودند که زندگی او را تهدید کردند، پدرشان را فریب دادند و کارهایی از این قبیل. آنها تغییر کرده بودند و افراد بخصوصی از آنها، مثل یهودا، به طور خاص تغییر خودشان را نشان دادند... آشتی از این حقیقت می‌آید که این برادران تغییر کرده بودند و یوسف هم عوض شده بود. او از مرد جوان خودخواهی که خیلی به رویاهایش و چنان چیزهایی مغرور بود به مردی تبدیل شد که حالا در موضع قدرت، رحمت نشان می‌داد. و همانطور که می‌بینید این تغییرات در آن باب‌ها اتفاق می‌افتند، یا در آن باب‌ها تشخیص می‌دهید، این صحنه‌ای که گریه می‌کنند و در آغوش هم هستند بسیار ارزشمند است و بدون شک در ذهن اسرائیلیان زمان موسی حک شده بود.

- دکتر ریچارد پرت

سپس، در ۴۵: ۱۶-۲۴، فرعون به یوسف دستور که برادرانش را بفرستد تا یعقوب را بیاورند. و فرعون در آیهٔ ۲۰ به یوسف قول داد: «نیکویی تمامی زمین مصر از آن شماست.» یوسف برادرانش را دور هم جمع، و آنها را راهنمایی کرد تا در هماهنگی جدیدی که پیدا کرده بودند به مسیرشان ادامه بدهند. در آیهٔ ۲۴ یوسف به آنها دستور داد که، «در راه منازعه مکنید!»

در آخرین بخش از سفر دوم، در ۴۵: ۲۵-۲۸، برادران به کنعان برمی‌گردند. آنها به یعقوب گفتند که چه اتفاقی در مصر افتاد و یعقوب موافقت کرد که با آنها به مصر برود.

پس از نگاه به آشتی و گردهمایی پاتریارک‌ها در سفر اول و دوم، به سومین سفر در پیدایش ۴۶: ۱-۴۷:

۱۲ می‌رسیم.

**سفر سوم (پیدایش ۴۶: ۱-۴۷: ۱۲)**

سفر سوم به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، ۴۶: ۱-۲۷ از مسافرت دوباره برادران به مصر گزارش می‌دهد که این بار با یعقوب همراه بود. در آیات ۱-۷، از برنامه سفر مطلع می‌شویم و اطمینان بخشی مجدد خدا به یعقوب که در مصر مبارک خواهد بود. سپس، ترتیب سفر در ۴۶: ۸-۲۷ با فهرستی از پسران و نوه‌های یعقوب که همراه او به مصر رفتند تمام می‌شود.

دوم، درست مانند اولین و دومین سفر، ۴۶: ۲۸-۴۷: ۱۲، بخشی از وقایع مصر را ارائه می‌دهد. باب ۴۶، آیات ۲۸-۳۰ به تجدید دیدار یعقوب با یوسف می‌پردازد که یهودا نقش اصلی را در آن ایفا کرد. و پس از این، در ۴۶: ۳۱-۴۷: ۱۲، فرعون از خانواده یوسف استقبال کرد و به آنان دستور داد تا در جوشن و تحت توجه یوسف زندگی کنند.

موسی پس از نوشتن درباره آشتی و گردهمایی پاتریارک‌ها، به سراغ چهارمین قدم، یا نقطه حسیض در داستان می‌رود. در پیدایش ۴۷: ۱۳-۲۷، موسی از حکمرانی نیک‌خواهانه یوسف در مصر صحبت می‌کند.

**حکمرانی نیک‌خواهانه یوسف (پیدایش ۴۷: ۱۳-۲۷)**

در ۴۷: ۱۳-۲۶ متوجه می‌شویم که قحطی طی مرور زمان بدتر شد. یوسف غذا را در دسترس سراسر مصر و کنعان قرار داد و با خرید زمین و دام مردم مصر و کنعان در برابر غذایی که به آنها می‌داد، باعث تثبیت قدرت فرعون شد. در طی این روند، او جان‌های بیشماری را نجات داد.

در پایان این روایت، در پیدایش ۴۷: ۲۷، موسی توضیحی در این باره می‌دهد که چطور حکمرانی یوسف به یعقوب و پسرانش فایده رساند. موسی نوشت:

اسرائیل در ارض مصر در زمین جوشن ساکن شده، ملک در آن گرفتند، و بسیار بارور و کثیر گردیدند (پیدایش ۴۷: ۲۷).

در پی ناهماهنگی پاتریارکی اولیه، اوج‌گیری حکمرانی تهدیدآمیز یوسف، آشتی و گردهمایی برادران، و حکمرانی نیک‌خواهانه یوسف در مصر، به آخرین مرحله روایت موسی از یوسف و برادرانش می‌رسیم. در پیدایش ۴۷: ۲۸-۵۰: ۲۶، خانواده یوسف تحت حاکمیت او، هماهنگی پاتریارکی را تجربه کردند.

**هماهنگی پاتریارکی (پیدایش ۴۷: ۲۸-۵۰: ۲۶)**

این آخرین بخش، مشکل آغازین ناهماهنگی در میان پاتریارک‌ها را حل می‌کند. و با تمرکز بر هماهنگی خانواده یوسف، برکاتی را بر اسرائیل مقرر می‌کند که به ویژه برای مخاطبین اولیه موسی اهمیت خاصی داشتند. باب‌های مربوط به هماهنگی پاتریارکی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند. در وهله اول، در پیدایش ۴۷: ۲۸-۵۰، موسی توجهات را به تمهیدات خانوادگی پایداری معطوف می‌کند که یعقوب در آخرین روزهای حیات خود برقرار کرد. سپس، در پیدایش ۵۰: ۱۵-۲۶، ما تمهیدات خانوادگی پایدار یوسف را می‌بینیم. بیایید ابتدا به تمهیدات خانوادگی یعقوب نگاه کنیم.

### تمهیدات خانوادگی یعقوب (پیدایش ۴۷: ۲۸-۵۰: ۱۴)

این قسمت، نزدیک زمان مرگ یعقوب آغاز می‌شود. موسی در ۴۷: ۲۸-۳۱، توضیح می‌دهد که یعقوب از یوسف خواست تا سوگند یاد کند که او را در زمین کنعان دفن خواهد کرد. سپس، در ۴۸: ۱-۴۹: ۲۸، درباره دو دیدار مجزا می‌خوانیم که شامل برکات یوسف می‌شوند.

در دیدار اول، در ۴۸: ۱-۲۲، یعقوب به طور خصوصی یوسف و پسران او، افرایم و منسی، را برکت داد. یوسف در اینجا افتخار میراث دوبرابر را پیدا می‌کند که به طور معمول، به نخست‌زاده تعلق داشت؛ چون یعقوب تصمیم گرفت که به افرایم و منسی به میزان برابر با عموهای‌شان ببخشد. اما به شکلی غیرمنتظره، یعقوب به افرایم، پسر دوم یوسف، بر منسی که نخست‌زاده بود برتری داد.

سپس در ۴۹: ۱-۲۸، پس از برکت به یوسف و پسرانش به طور خصوصی، تمام پسران یعقوب برکات نهایی او را دریافت کردند. یعقوب تمام پسرانش را دور هم جمع کرد، و تک تک آنها را به شکلی که مناسب روشی بود که زندگی کرده بودند، برکت داد. به عنوان برکات نهایی یعقوب، این تمهیدات می‌بایست برای نسل‌های آینده پایدار باقی می‌ماند.

این قسمت در پیدایش ۴۹: ۲۹-۵۰: ۱۴ پایان می‌یابد که از مرگ و تدفین یعقوب مطلع می‌شویم. در این آیات، یوسف درخواست پدرش مبنی بر خاکسپاری در کنعان را به جا آورد، و بعد به مصر بازگشت. هماهنگی پاتریارکی تحت حاکمیت یوسف نه تنها شامل بخشی درباره تمهیدات خانوادگی یعقوب می‌شود، بلکه همچنین تمهیدات خانوادگی یوسف در پیدایش ۵۰: ۱۵-۲۶ را نیز در بر می‌گیرد.

### تمهیدات خانوادگی یوسف (پیدایش ۵۰: ۱۵-۲۶)

این بخش مختصر به دو گزارش کوتاه تقسیم می‌شود. در ۵۰: ۱۵-۲۱، یوسف یک بار دیگر به برادرانش درباره رحمت خود به آنها اطمینان داد. برادرانش از او درخواست بخشش کردند و یوسف هم سخاوتمندانه آنها را بخشید.

یکی از چیزهایی که ما در داستان یوسف و برادرانش می‌بینیم، قدرت بخشش است، قدرت باور به اهداف نیکوی خدا برای ما، حتی زمانی که شرایط برای ما بسیار دشوار می‌شوند، و می‌توانیم کسانی را ببینیم که در آن شرایط سخت مشابه نیستند. شاید حتی ما بتوانیم به طور دقیقی بگوییم، «آنها من را در این شرایط قرار دادند.» اما واکنش یوسف به برادرانش که اساساً او را به بردگی فروخته بودند، می‌بینیم که اعتماد و اطاعت نسبت به خداوند است و تحقق یک هدف منحصر به فرد و مهم که خداوند برای او مقدر کرده بود.

- کشیش دکتر مایکل والکر

یوسف در پیدایش ۵۰: ۱۹-۲۱ به برادرانش گفت:

مترسید زیرا که آیا من در جای خدا هستم؟ شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است. و الآن ترسان مباشید. من، شما را و اطفال شما را می‌پرورانم (پیدایش ۵۰: ۱۹-۲۱).

تمام داستان یوسف و برادرانش در پیدایش ۵۰: ۲۲-۲۶ با سوگندی که یوسف از برادران خود درخواست می‌کند، تمام می‌شود. به پیدایش ۵۰: ۲۵ گوش کنید:

یوسف به بنی اسرائیل سوگند داده، گفت: «هر آینه خدا از شما تفقد خواهد نمود، و استخوان‌های مرا از اینجا خواهید برداشت» (پیدایش ۵۰: ۲۵).

در روایت پیدایش، این سوگند آخرین تعامل یوسف با برادرانش قبل از مرگ بود. برادران یوسف به نمایندگی از نوادگان خود سوگند یاد کردند که وقتی خدا آنها را از مصر رها کند، با بردن استخوان‌های یوسف همراه خود برای دفن در سرزمین موعود، همچنان او را تکریم کنند.

آخرین کلمات یوسف وقتی که اساساً با برادران و خانواده‌اش صحبت می‌کند، اینها هستند: «خدا مطمئناً از شما مراقبت خواهد کرد، و شما باید استخوان‌های من را از اینجا ببرید.» به عنوان یک حاکم مصری، احتمال زیادی دارد که وقتی یوسف فوت کرد، او را مومیایی کرده و در یک تابوت سنگی قرار داده باشند... هر بار که آنها این تابوت سنگی را می‌دیدند، به وعده‌ای فکر می‌کردند که یوسف به آنها داده بود و وعده‌ای که به پاتریارک‌ها داده شده بود

که شما به خانه بروید گشت. یوسف گفت، «استخوان‌های من را با خودتان از اینجا ببرید و در سرزمین وعده دفن کنید.» این بخش نشان می‌دهد که او وعده خدا را پذیرفته بود... و بنابراین، وقتی یهودیان مصر را ترک کردند، موسی استخوان‌های یوسف را هم همراه آنها برد. یک بار دیگر، در طول آن چهل سال تبدیل به یک نماد شد، یک کمک بصری، از وعده عالی خدا که به مردم اسرائیل داده شد بود مبنی بر اینکه در سرزمین وعده خواهند بود. بنابراین، استخوان‌ها نهایتاً در شکیم دفن شدند و من فکر می‌کنم که قاعده در اینجا خیلی ساده است: وعده‌های خدا باید واقعی‌تر از هر چیز دیگر در زندگی باشند. خدا به وعده‌های خود عمل می‌کند.

- دکتر لری واترز

تا اینجا در درس‌مان درباره یوسف و برادرانش، به ساختار و محتوای روایت موسی نگاه کردیم. حالا باید به سراغ دومین موضوع اصلی درس برویم؛ مضامین اصلی این باب‌ها.

### مضامین اصلی

داستان یوسف و برادرانش، مفاهیم بسیار زیادی، بسیار بیشتر از آنچه که بتوانیم اینجا به آنها اشاره کنیم، برای مخاطبین اولیه پیدایش داشت. و همین موضوع درباره کاربرد امروزی هم صادق است. به این ترتیب، اگر به این باب‌ها از دید مخاطب اصلی نگاه کنیم، مضامین بخصوصی برجسته می‌شوند. این مضامین اصلی، همه شیوه‌هایی را پوشش نمی‌دهند که داستان یوسف برای تاثیرگذاری بر مخاطبین اصلی آن طراحی شده است. همچنین همه راه‌هایی که باید امروزه آنها را به کار بگیریم را هم انعکاس نمی‌دهند. اما این مضامین اصلی، به ما یک آشنایی نسبت به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این بخش از پیدایش می‌دهند.

ما از دو طریق به بعضی از مضامین اصلی این باب‌ها نگاه خواهیم کرد. نخست، به ابراز چند نظر درباره نحوه برخوردمان نسبت به تاکیده‌های مشترکی خواهیم پرداخت که هم در داستان یوسف و هم در روایات ابراهیم، اسحاق، و یعقوب دیده می‌شوند. و دوم، با دقت بیشتری به دو تاکید ویژه نگاه خواهیم کرد که در داستان یوسف و برادرانش برجسته شده است. بیایید ابتدا به تعدادی از تاکیدات مشترک نگاه کنیم.

### تاکیدات مشترک

همانطور که در درس دیگر درباره پیدایش دیدیم، چهار مضمون عمده در روایات مربوط به زندگی ابراهیم، اسحاق و یعقوب دیده می‌شوند. این موضوعات در داستان یوسف و برادرانش هم دیده می‌شوند: تاکید بر فیض خدا به اسرائیل، لزوم وفاداری اسرائیل به خدا، برکات خدا برای اسرائیل، و برکات خدا به دیگران از طریق اسرائیل.



بیا باید لحظه‌ای بر این موضوع تأمل کنیم که چطور باید به مضمون فیض خدا به اسرائیل در این قسمت از کتاب مقدس نزدیک شویم.

### فیض خدا به اسرائیل

کلام خدا از اصطلاحات ویژه‌ای برای فیض الاهی، رحمت، و مهربانی استفاده می‌کند، اما ما به ندرت این اصطلاحات را در داستان یوسف می‌بینیم. با این وجود، «مضمون» فیض خدا را در سراسر این باب‌ها می‌بینیم. در چیزی که ما آن را «آن جهان» روزگار یوسف می‌نامیم، خدا گاه گاه فیض گذشته خود را به یوسف و خانواده‌اش یادآوری می‌کرد، فیضی که او پیش از زمان آنها نشان داده بود. خدا همچنین فیض مستمر خود را در هر مرحله به یوسف و خانواده‌اش نشان داد. و وقتی خدا به وقایعی در آینده اشاره کرد، معمولاً نشان داد که چطور یوسف و خانواده‌اش روزی فیض آینده او را دریافت می‌کردند؛ به ویژه فیض بازگشت به سرزمین وعده.

اما این سه نوع فیض، صرفاً داستان یوسف را شکل ندادند. موسی از فیض خدا در جهان یوسف نوشت تا مخاطبین اولیه‌اش بتوانند به راه‌های بسیاری فکر کنند که خدا فیض خود را در «جهان آنها» نشان داده بود.

تقریباً به همان شکل، ما به عنوان پیروان مسیح می‌توانیم فیضی که خدا به یوسف و خانواده‌اش نشان داد را در جهان خودمان نیز به کار بندیم. راه‌های بسیاری برای انجام این وجود دارد، اما اغلب مفیدتر است که از منظر سه مرحله پادشاهی مسیح به آنها فکر کنیم. از دیدگاه عهد جدیدی ما، فیض گذشته خدا که به یوسف و برادرانش نشان داده شد، درباره ما همانطور که در ظهور اولیه مسیح، در تاسیس پادشاهی او دیده شد، صدق می‌کند. هربار که ما فیض مستمر خدا را در داستان یوسف می‌بینیم، فیض مستمر در زندگی خودمان، در طول تداوم پادشاهی مسیح را به یاد می‌آوریم. و درست همانطور که یوسف و خانواده‌اش فیض آینده خدا را انتظار می‌کشیدند، ما نیز به رحمت‌های خدا در زمان تکمیل پادشاهی مسیح در آسمان و زمین جدید امیدوار هستیم.

در کنار تأکیدات مشترک درباره فیض خدا به اسرائیل، بیا باید به لزوم وفاداری خدا به اسرائیل نگاه کنیم.

### وفاداری اسرائیل به خدا

یکی از غیرمعمول‌ترین خصوصیات روایت موسی از جهان یوسف و برادرانش این است که او هرگز به دستورات شفاهی یا فرامین خدا اشاره نکرده است. در عوض، موسی از اسرائیلیان انتظار داشت که وفاداری یوسف به خدا در آن جهان را با توجه به شریعتی ارزیابی کنند که در جهان خودشان دریافت کرده بودند.

حال، البته موسی می‌دانست که پاتریارک‌ها نمی‌توانند نجات خودشان را از طریق وفاداری به شریعت خدا کسب کنند. این مسئله همیشه غیرممکن است. اما اطاعت یا عدم اطاعت آنها وضعیت حقیقی قلب‌شان را در هر

مرحله از داستان نشان می‌داد. و موسی مخاطبین خود را فراخواند تا در پرتو داستان یوسف، وضعیت قلب خودشان را آزمایش کنند.

برای نمونه، در طرف منفی، موسی مجبور نبود که مستقیماً از عدم رضایت خدا از نقشه برادران برای کشتن یوسف صحبت کند. مخاطبین او می‌دانستند که این موضوع، نقض فرمان ششم علیه قتل در خروج ۲۰: ۱۳ بود. فروش یوسف به بردگی، نقض قوانینی مانند تثنیه ۲۴: ۷ بود. وقتی برادران یعقوب را فریب دادند، قانون احترام به پدر و مادر در خروج ۲۰: ۱۲ را نقض کردند. وقتی که یهودا با تamar همبستر شد و تصور می‌کرد او یک فاحشه است، فرامین علیه فساد جنسی در خروج ۲۰: ۱۴ یا قوانین دیگر مانند لاویان ۱۹: ۲۹ را نقض کرد.

اما در سوی مثبت، موسی همچنین بر آگاهی مخاطبین خود از شریعت خدا تکیه کرد تا زمانی که یوسف و برادرانش به خدا وفادار بودند را تشخیص بدهند. برای نمونه، وقتی یوسف با مقاومت در برابر وسوسه همسر فوطیفار، پاک‌جنسی نشان داد، از فرامین هفتم و دهم در خروج ۲۰: ۱۴ و ۱۷ پیروی می‌کرد. بعدتر، در متونی مانند پیدایش ۴۶: ۲۰-۳۴، یوسف و برادرانش در همسویی با فرمان پنجم در خروج ۲۰: ۱۲ به پدرشان احترام گذاشتند. توبه و فروتنی برادران در حضور یوسف، بازتاب قوانینی مانند لاویان ۵: ۵ بود. رحمت و مهربانی یوسف نسبت به برادرانش مصداق متونی مانند لاویان ۱۹: ۱۸ بود. بنابراین می‌توانیم ببینیم که وقتی موسی وفاداری و عدم وفاداری در آن جهان را توصیف کرد، توجه مخاطبین اولیه اسرائیلی خود را به عدم وفاداری و وفاداری خودشان در جهان آنها معطوف می‌کرد.

به عنوان مسیحیان امروزی، دست‌کم سه طریق عمده وجود دارد که ما می‌باید از آنها به موضوع وفاداری و عدم وفاداری به خدا در داستان یوسف بیرواژیم. نخست، ما باید این مثال‌ها را با اطاعت کامل عیسی از خدا، به ویژه در تاسیس پادشاهی او مقایسه و مقابله کنیم. دوم، باید آماده باشیم تا اصول اخلاقی داستان یوسف را در زندگی روزمره خودمان، در طی تداوم پادشاهی مسیح به کار ببندیم. و نهایتاً، لزوم وفاداری در داستان یوسف می‌باید توجه ما را به این جلب کند که در بازگشت مسیح، در زمان تکمیل پادشاهی او چه رخ خواهد داد. در آن زمان، همه آنانی که به مسیح ایمان نجات‌بخش داشته‌اند کاملاً بی‌گناه شمرده خواهند شد و به خدمت‌گزاران کاملاً مطیع خدا در آسمان و زمین جدید تبدیل می‌شوند.

ما به تاکیدات مشترک فیض خدا به اسرائیل و وفاداری اسرائیل به خدا نگاه کردیم. سومین تاکید مشترک بین داستان یوسف و تاریخ پاتریارک‌های پیشین، مضمون برکات خدا به اسرائیل است.

### برکات خدا به اسرائیل

از منظر «آن جهان» یوسف و برادرانش، باید ذکر کنیم که خدا گاهی برکاتش را علیرغم عدم وفاداری پاتریارک‌ها و در زمان‌های دیگر، در پاسخ به وفاداری آنها نازل کرد. موسی مضمون برکات خدا به قومش در آن

جهان را طراحی کرد تا مخاطبین اصلی خود را از راه‌های بی‌شماری که خدا آنان را در «جهان آنها» برکت داده بود مطلع کند - چه علیرغم عدم وفاداری آنها و چه در پاسخ به وفاداری آنها.

تقریباً به طریق مشابه، برکات خدا در داستان یوسف و برادرانش در مورد دنیای امروز ما نیز صدق می‌کند. گاهی این علیرغم عدم وفاداری ما است و در زمان‌های دیگر، در پاسخ به وفاداری ما. ما با تصدیق برکاتی که خدا بر قوم خود در تاسیس پادشاهی مسیح نازل کرد، بین داستان یوسف و زندگی‌های خودمان پیوندهایی پیدا می‌کنیم. ما همچنین تشخیص می‌دهیم که چطور او اکنون در تداوم پادشاهی مسیح ما را برکت می‌دهد. و چشم به آینده داریم که خدا چطور ما را در زمان تکمیل پادشاهی مسیح برکت خواهد داد.

در کنار تاکیدات مشترک درباره فیض خدا به اسرائیل، وفاداری اسرائیل به خدا، و برکات خدا به اسرائیل، داستان یوسف همچنین بر برکات خدا برای دیگران از طریق اسرائیل تاکید می‌کند.

### برکات خدا از طریق اسرائیل

متونی مانند پیدایش ۱۲: ۳، ۲۲: ۱۸، و ۲۶: ۴ به ما می‌گویند که خدا اسرائیل را برکت داد، و ابراهیم و نوادگان او را تعیین کرد تا پادشاهی خدا و برکاتش را در بین همه ملل منتشر کنند. این مضمون در «آن جهان» یوسف عمدتاً در طرقی نمایان می‌شود که حکمرانی یوسف در مصر موجب برکت دیگران شد. برای مثال، یوسف در پیدایش ۳۹: ۵، برکتی برای فوطیفار بود. او در ۳۹: ۲۲، برکتی برای آن زندانی در زندان فرعون بود. و وقتی یوسف رویای فرعون را در ۴۱: ۲۵ تعبیر کرد، برکتی برای او بود. اما بزرگترین برکات برای دیگران در اوج قدرت یوسف، هنگامی بود که او مصریان و بسیاری از ملل دیگر را برکت داد. همانطور که پیدایش ۴۱: ۵۶-۵۷ گزارش می‌دهد:

قحط، تمامی روی زمین را فرو گرفت، و یوسف همه انبارها را باز کرده، به مصریان می‌فروخت... و همه زمین‌ها به جهت خرید غله نزد یوسف به مصر آمدند، زیرا قحط بر تمامی زمین سخت شد (پیدایش ۴۱: ۵۶-۵۷).

آسان است که ببینیم چطور مضمون برکت اسرائیل به دیگران در «جهان آنها»، جهان مخاطبین اولیه موسی کاربرد داشت. نخست، در شنیدن داستان یوسف، اسرائیلیان از اینکه چطور پاتریارک آنها دیگران را برکت داده بود تشویق می‌شدند. آنها همچنین تشخیص می‌دادند که خدا آنها را فراخوانده تا در زمان خودشان، برکات خدا را به دیگران انتقال دهند. و آنها چشم به آینده و زمانی داشتند که فرزندان‌شان برکات خدا را در سراسر جهان منتشر کنند.

همانطور که ممکن است انتظار داشته باشید، این مضمون همچنین برای ما و در جهان ما نیز صدق می‌کند. مسیح در زمان تاسیس پادشاهی خود، برکاتی به دنیا عطا کرد. او جهان را از طریق کلیسا و در طی تداوم پادشاهی‌اش برکت می‌دهد. و یک روز، او هر قبیله و قوم جهان را در زمان تکمیل پادشاهی‌اش در خلقت جدید برکت خواهد داد.

### تاکیدات ویژه

در حین بررسی مضامین اصلی داستان یوسف، به بعضی از تاکیدات مشترک بین داستان یوسف و تاریخ پاتریارکی در پیدایش اشاره کردیم. حال باید بر دو تاکید ویژه تمرکز کنیم که به صورت واضح در داستان یوسف دیده می‌شود. پیش‌تر در این درس، چنین گفتیم که:

داستان یوسف و برادرانش به اسباط اسرائیل آموخت که چگونه در حین تسخیر سرزمین موعود و استقرار در آن، در کنار یکدیگر با هماهنگی زندگی کنند.

همانطور که دیدیم، قسمت عمده این بخش از پیدایش به ناهماهنگی و هماهنگی بین یوسف و برادرانش اختصاص داشت. و یوسف و برادرانش، پدران دوازده سبط اسرائیل بودند. بنابراین، این تعاملات مستقیماً به تعاملات بین اسباط اسرائیل در روزگار موسی مرتبط بودند. به آخرین کلمات یوسف در پیدایش ۵۰: ۲۴-۲۵ گوش کنید که این ارتباطات به پیش‌زمینه منتقل می‌شوند:

یوسف، برادران خود را گفت: «من می‌میرم، و یقیناً خدا از شما تفقد خواهد نمود، و شما را از این زمین به زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده است، خواهد برد.» و یوسف به بنی اسرائیل سوگند داد، گفت: «هر آینه خدا از شما تفقد خواهد نمود، و استخوان‌های مرا از اینجا خواهید برداشت» (پیدایش ۵۰: ۲۴-۲۵).

دشوار می‌توان به اندازه کافی بر ارتباطی تاکید کنیم که این متن بین آن جهان روزگار یوسف، و جهان مخاطبین اولیه موسی برقرار کرد. موسی داستان یوسف و برادرانش را با پیشگویی واضح یوسف از آنچه در زندگی مخاطبین اولیه پیدایش رخ می‌داد به پایان برد - یعنی ورود آنها به سرزمین وعده. روش‌های زیادی برای جمع‌بندی مفاهیم این ارتباط بین آخرین کلمات یوسف و تجربیات مخاطبین اولیه وجود دارد. اما در راستای اهدافمان، تنها به دو تاکید ویژه نگاه خواهیم کرد. اول، خواهیم دید که چطور داستان یوسف و برادرانش برای ترویج اتحاد ملی بین اسباط اسرائیل در زمان موسی طراحی شده بود. و دوم، خواهیم دید

که چطور کلمات او، تنوع قومی‌ای که خدا در بین اسباط اسرائیل قرار داده بود را تصدیق می‌کند. بیایید ابتدا به مضمون وحدت ملی نگاه کنیم.

## وحدت ملی

برای مشاهده اهمیت مضمون وحدت ملی، باید اشاره کنیم که داستان یوسف و خانواده‌اش برآمده از الگویی است که بارها و بارها در پیدایش ظاهر می‌شود. می‌توانیم این الگو را «وراثت انحصاری» بنامیم. و منظورمان از وراثت انحصاری، انتقال لطف ویژه خدا در طول زمان از طریق یک شخصیت اصلی یا پاتریارک است. اینطور به آن فکر کنید: در تاریخ آغازین پیدایش ۱: ۱-۱۱: ۹، خدا ابتدا چنین تعیین کرد که آدم و نوادگان او تمام دنیا را پر کرده و بر آن حکومت کنند. آنها می‌بایست پادشاهی پر جلال خدا در سراسر زمین منتشر می‌کردند. اما با پدید آمدن گناه، این وعده منحصر به شیت منتقل شد و نه به قائن. سپس لطف ویژه خدا از نسل فرزندان شیت گذشت تا اینکه خدا عهد خود را منحصر با نوح تایید کرد. نوح سه پسر به نام‌های سام، حام، و یافث داشت. اما وعده‌های خدا منحصر از طریق نسل سام منتقل شدند. و در پایان تاریخ آغازین، نواده سام، ابراهیم، وارث انحصاری وعده‌های خدا بود.

تاریخ پاتریارکی مقدم در پیدایش ۱۱: ۱۰-۳۷: ۱ این الگوی وراثت انحصاری را ادامه می‌دهد. وعده‌های ابراهیم به جای اسمائیل و دیگر پسران او، صرفاً به اسحاق منتقل شدند. و وعده‌های خدا برای اسحاق نیز، منحصر به جای عیسو، به یعقوب انتقال پیدا کردند.

حال، اگرچه این الگوی وراثت انحصاری در ۳۶ باب نخستین کتاب پیدایش بنیادین بود، اما با داستان یوسف و برادرانش ناگهان به پایان می‌رسد. در این قسمت از پیدایش، موسی بر «وراثت فراگیر» تاکید کرد. او باور داشت که لطف ویژه خدا از یعقوب به تمام دوازده پسر او، و نه فقط یکی از آنها، منتقل شده است. وقتی یعقوب فوت کرد، همه دوازده پسر او و نوادگان‌شان، دوازده سبط اسرائیل، مشترکاً در میراث یعقوب که سرزمین وعده بود سهیم بودند. و این توزیع فراگیر میراث یعقوب به تمام پسران او، مخاطبین اسرائیلی موسی را به وحدت ملی می‌خواند.

وقتی ما داستان یعقوب و بعد یوسف و برادرش یهودا را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که آشفتگی زیادی در این خانواده وجود دارد؛ تضاد بسیار، حسادت، نزاع، و خدا نمی‌خواهد که جامعه عهدی او اینطور زندگی کنند. و بنابراین، فکر می‌کنم داستان تبدیل به نمونه‌ای از این می‌شود که خدا چطور در جامعه عهدی خود عمل می‌کند تا آنها را متحد کند، چون یوسف و یهودا در پایان متحد می‌شوند و دیگر تضادی بین آنها وجود ندارد. این بعداً مثال خوبی برای قوم است. یوسف و یهودا دو تا از سبط‌های بزرگ در اسرائیل هستند. این برای آنها یک نمونه عالی از نوع وحدتی است که خدا می‌خواهد در جامعه عهد ببیند و سعی در ایجاد آن دارد.

## - دکتر رابرت چی زم

همانطور که پیش‌تر دیدیم، داستان یوسف و برادرانش با ناهماهنگی‌ای آغاز می‌شود که ریشه در گناه برادران علیه یکدیگر داشت؛ اما با هماهنگی بین برادران تمام می‌شود. به این طریق، روایت موسی برای تمام کسانی که او را پیروی می‌کردند روشن ساخت که خدا اسباط اسرائیل را فراخوانده است تا به دنبال وحدت ملی باشند. همانطور که داستان یوسف به تصویر کشید، همه اسرائیل در میراث سرزمین وعده که خدا به ابراهیم، اسحاق، و یعقوب داد سهیم بودند.

بنابراین جای تعجب نیست که موسی در جاهای دیگر هم به موضوع وحدت در میان اسباط اسرائیل اشاره کرد. برای نمونه، در خروج ۱۹: ۸، او تاکید کرد که همه اسرائیل در کوه سینا متفقاً پذیرفتند که با خدا وارد عهد شوند. در اعداد باب ۳۲ و یوشع ۱: ۱۲-۱۸، موسی و یوشع هر دو اصرار داشتند که اسباط باید در سرزمین کنعان پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند، در کنار هم بجنگند. موسی همچنین در تثیبه ۲۹: ۲ همه اسباط را برای تجدید عهد گرد آورد.

و فرای این، بر وحدت ملی اسرائیل توسط نویسندگان بعدی عهد عتیق نیز تاکید شد. علیرغم قصورات داوود و سلیمان، دوره پادشاهی متحد به عنوان عصر طلایی اسرائیل در نظر گرفته می‌شود. تقسیم ملت به دو پادشاهی شمالی و جنوبی، از کمال مطلوب خدا برای قوم خود بسیار فاصله داشت. بعداً انبیای اسرائیل وعده دادند که اسباط بعد از تبعید متحد خواهند شد. و کتبی مانند تواریخ اصرار داشتند که نمایندگان هر سبط باید پس از تبعید در سرزمین وعده ساکن شوند.

تاکید موسی بر اتحاد میان پاتریارک‌های دوازده سبط در آن جهان یوسف و برادرانش، مروج وحدت ملی در بین اسباط اسرائیل در دنیای آنها شد. این تاکید همچنین به یکی از اصلی‌ترین شیوه‌هایی اشاره می‌کند که داستان یوسف و برادرانش باید در دنیای امروزی ما اعمال شود. درست همانطور که اسباط اسرائیل در میراثی مشترک سهیم بودند، تمام پیروان مسیح در هر کجای دنیا نیز در میراثی مشترک در مسیح سهیم هستند. عیسی این اتحاد را در افتتاح پادشاهی خود ایجاد کرد. ما باید در طی تداوم پادشاهی مسیح در پی این اتحاد باشیم. و روزی از اتحاد کامل و هماهنگی بین قوم خدا در زمان تکمیل پادشاهی مسیح لذت خواهیم برد. به افسسیان ۴: ۳-۶ گوش کنید که پولس گفت:

سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید. یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده‌اید در یک امید دعوت خویش. یک خداوند، یک ایمان، یک تعמיד؛ یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است (افسسیان ۴: ۳-۶).

به منطق این متن دقت کنید. پولس پیروان مسیح را فراخواند تا سعی کنند که «یگانگی روح را در رشته سلامتی» نگاه دارند. مانند میراث مشترک بین اسباط اسرائیل، ما نیز اشتراکات بسیاری داریم: یک بدن، یک روح القدس، یک امید، یک خداوند، یک ایمان، یک تعמיד، و یک خدا و پدر. داستان یوسف و برادرانش به پیروان مسیح موقعیت‌های فراوانی می‌دهد تا به ناهماهنگی‌ای فکر کنند که معمولاً در بین ما رخ می‌دهد. و برای اینکه خودمان را وقف وحدت قوم خدا در سراسر جهان کنیم، راهنمایی عملی زیادی به ما ارائه می‌دهد.

داستان یوسف مشوق وحدت ملی در میان اسرائیلیان بود چون یوسف فردی سرشار از بخشش بود. و بخشش تنها عامل متحدکننده‌ای است که داریم، نه فقط برای اسرائیلی‌ها، بلکه برای ما به عنوان مسیحیان، برای خانواده‌ها، برای زندگی‌ای که در این جهان داریم. یوسف مورد بدرفتاری زیادی از طرف برادرانش قرار گرفت، اما زمانی که آنها در مشکل بودند، نجات‌شان داد... و وقتی به داستان یوسف نگاه می‌کنیم و اینکه او چگونه بخشید، او چیزی را بخشید که خیلی بزرگ بود. آنها می‌خواستند او بمیرد، نمی‌خواستند زنده باشد. نمی‌خواستند دیگر هرگز او را ببینند. اما یوسف نخواست به آنها صدمه‌ای بزند. او قدرت داشت، وسیله انجام آن را داشت، اما خداترس و در ایمان از آنها بالغ‌تر شد و آنها را هم مشمول کرد. و این می‌تواند باز هم انجام شود، می‌تواند در بین دوازده سبط اسرائیل تکرار شود، می‌تواند در ما تکرار شود، در خانواده‌های ما، در کلیساهای ما، و می‌تواند در جامعه ما تکرار شود.

- کشیش دکتر سپریان گوجیندا

اکنون، به همان اندازه که اهمیت دارد تشخیص بدهیم تاکید ویژه موسی مروج وحدت ملی در بین اسرائیل شد، همچنین مهم است متوجه شویم که چرا لازم بود موسی این کار را انجام دهد. به طور خلاصه، لازم بود موسی بر وحدت ملی تاکید کند چون خدا همچنین تنوع قومی را نیز برای ملت خود تعیین کرده بود.

### تنوع قومی

به بیان ساده، پاتریارک‌های همه اسباط اسرائیل وارثان یعقوب بودند، اما این بدان معنا نبود که با همه آنها دقیقاً یکسان رفتار می‌شد. برعکس، بقیه عهد عتیق تصریح می‌کند که خدا به اسباط اسرائیل امتیازات و مسئولیت‌های مختلفی داد. و موسی بر ضرورت هماهنگی بین اسباط اسرائیل به یک دلیل اصلی تاکید کرد: وحدت اسرائیل تنها در صورتی می‌توانست حفظ شود که اسرائیلیان تشخیص می‌دادند که خود خدا امتیازات و مسئولیت‌های مختلف اسباط آنها را تعیین کرده است.

مضمون تنوع نیز مانند مضمون وحدت، راه خود را در هر مرحله از داستان یعقوب و برادرانش هموار می‌کند. اما به ویژه در پیدایش ۴۷: ۲۸-۴۹: ۳۳ برجسته است. در این باب‌ها، یعقوب میراثش را در بین همه دوازده پسرش تقسیم کرد، اما همچنین تفاوت‌های پایداری هم در میان آنها و نوادگان‌شان برقرار کرد. در این باب‌ها، موسی با تمایز بین تمام پسران یعقوب، تنوع را ترویج کرد. با این حال، در راستای اهدافمان، تنها به دو مورد نگاه می‌کنیم: یهودا و نوادگانش، و البته یوسف و نوادگان او. بیایید ابتدا افتخاری را در نظر بگیریم که به یهودا و نوادگان او داده شد.

**یهودا و نوادگان او.** موسی در این باب‌ها چندین بار یهودا را در مرکز صحنه قرار داد تا برتری‌ای که خدا برای یهودا و سبط او تعیین کرده بود را تایید کند. یهودا نخستین بار در پیدایش ۳۷: ۱۲-۳۶ پدیدار می‌شود که برادران می‌کوشند یوسف را به قتل برسانند. در آیات ۲۶-۲۷ یهودا متمایز از برادرانش عمل کرد و با موفقیت از یوسف دفاع کرد. یهودا آن هماهنگی‌ای را ابراز کرد که می‌باید ویژگی برادران باشد و در آیه ۲۷ به آنان یادآوری کرد که، «او برادر و از گوشت و خون ماست» (ترجمه مؤده). و در اینجا می‌بینیم که راهبری یهودا از طرف برادران مورد تایید بود و با نقشه او موافقت کردند.

یهودا دوباره در ۳۸: ۱-۳۰، زمانی که موسی داستان گناه او در کنعان را بازگو کرد، ظاهر می‌شود. این قسمت، فساد یهودا را با راستی یوسف در خانه فوطیفار مقابل هم قرار می‌دهد. اما در ۳۸: ۲۶، موسی از اعتراف فروتنانه یهودا پرده برداشت؛ زمانی که یهودا اعتراف کرد، «[تامار] از من بی گناه‌تر است.» واضح است که خدا توبه یهودا را پذیرفت چون سپس خدا او را فارص و زارح، پسران دوقلو، برکت داد.

موسی سپس دوباره در ۴۴: ۱۴-۳۴، توجهات را به راهبری یهودا حین سفر دوم پاتریارک‌ها به مصر معطوف می‌کند. وقتی بنیامین به سرقت یک جام نقره متهم شد، یهودا در حضور یوسف جلو رفت و درخواست رحمت کرد. او با فروتنی صحبت کرد، و خودش و برادرانش را «خادمان» یوسف خواند. او درباره آنچه خودش و برادرانش انجام داده بودند، با اعتراف به اینکه «خدا گناه ما را آشکار نموده است»، اظهار توبه کرد. او با ذکر اینکه اگر بنیامین به کنعان برنگردد «حزن پدرش را فرو خواهد گرفت»، به پدر خود احترام نشان داد. و شجاعانه پیشنهاد کرد که خودش به جای بنیامین در مصر بماند.

و نهایتاً در ۴۹: ۱-۲۸، یهودا در زمان برکات نهایی یعقوب دوباره به پیش‌زمینه منتقل می‌شود. در آیات ۸-۱۲، یعقوب اعلام کرد که یهودا و سبط او به موقعیتی بی‌رقیب در راهبری ارتقا خواهند یافت و سبط یهودا روزی سبط سلطنتی اسرائیل خواهند شد. به کلام یعقوب در پیدایش ۴۹: ۸-۱۰ گوش کنید:

ای یهودا تو را برادرانت خواهند ستود. دستت بر گردن دشمنان خواهد بود، و پسران پدرت، تو را تعظیم خواهند کرد. یهودا شیر بچه‌ای است، ای پسر من از شکار برآمدی. مثل شیر خویشتن را جمع کرده، در کمین می‌خوابد و چون



شیر ماده‌ای است. کیست او را برانگیزاند؟ عصا از یهودا دور نخواهد شد. و نه فرمان‌فرمایی از میان پای‌های وی تا شیلو بیاید. و مر او را اطاعت امت‌ها خواهد بود (پیدایش ۴۹: ۸-۱۰).

در اینجا دقت کنید که برادران یهودا، او را خواهند ستود. او دست خود را بر «گردن دشمنانش» خواهد گذاشت که یعنی بر هرآنکه با او مخالفت کند پیروز خواهد شد. و «پسران پدر» یهودا - یعنی برادرانش - به او «تعظیم» خواهند کرد. موسی بر اساس خصوصیات قبلی یهودا، نشان داد که سبط یهودا بر سایر اسباط اسرائیل اقتدار خواهند داشت.

مهم است دقت کنیم که «عصا»، نماد سلطنت، در دست نسل یهودا خواهد بود. نسل یهودا به سلطنت ادامه خواهند داد تا زمانی که، «شیلو بیاید و مر او را اطاعت امت‌ها خواهد بود.»

پیدایش ۴۹: ۱۰، اولین مرجع صریح در کتاب مقدس از این حقیقت را به ما می‌دهد که یکی از نوادگان یهودا بر تمام جهان پادشاه خواهد شد. این مرجعی روشن از ماشیح است که از خاندان داوود می‌آید. و این پادشاه آینده، وعده پیدایش ۱۲: ۳ را محقق خواهد کرد که خدا به ابراهیم گفت، «از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت.» از طریق این پادشاه، سلطنت خدا به تمام جهان خواهد رسید. و «اطاعت امت‌ها» به این پادشاه بزرگ نسل یهودا داده خواهد شد.

درک این موضوع دشوار نیست که چرا موسی بر برتری یهودا در آن جهان برای مخاطبین خود در جهان آنها تاکید کرد. یهودا نخست‌زاده یعقوب نبود و به طور معمول از چنان اهمیتی برخوردار نمی‌بود. بنابراین، وقتی موسی درباره یوسف و برادرانش نوشت تا وحدت ملی را ترویج کند، همچنین از آنها انتظار داشت که این وحدت را با توجه به این واقعیت حفظ کنند که خداوند سبط یهودا را از این راه برتری داده است.

برای پیروان امروزی مسیح در دنیای ما نیز مفاهیم زیادی از برتری یهودا وجود دارد. اما در دل آن، همه چیز درباره این حقیقت است که خدا وعده پادشاهی بزرگ از سبط یهودا را داده بود. و این وعده در پسر کاملاً عادل داوود، عیسی، پادشاه جهان، محقق شد. عیسی در تاسیس پادشاهی‌اش، تخت خود را در آسمان تحویل گرفت. او به سلطنت خود در طول تداوم پادشاهی‌اش تا زمانی که تمام دشمنان او به زیر پای‌هایش بیفتند ادامه می‌دهد. و در تکمیل پادشاهی‌اش، تا ابد در خلقت جدید بر همه سلطنت خواهد کرد.

حال که دیدیم موسی چطور با تمرکز بر یهودا و نوادگانش بر تنوع قومی درون اسرائیل تاکید کرد، بیایید به اهمیت آشکار یوسف و نسل او در این بخش از پیدایش بپردازیم.

**یوسف و نوادگانش.** همانطور که دیدیم، یوسف شخصیت اصلی در پیدایش ۳۷: ۲-۵۰: ۲۶ است. اما برخلاف برادرانش، او در این باب‌ها بسیار ایده‌آل بود. در حقیقت، تنها زمانی که موسی به نکته‌ای منفی در شخصیت یوسف اشاره کرد، در ابتدای این قسمت بود. در ۳۷: ۲-۱۱، می‌بینیم که یوسف برادرانش را تحریک کرد. او درباره

خواب‌های آینده خود به آنان فخر فروخت. اما حتی همین یک مورد منفی هم، نامحسوس است. و موسی آن را در آیه ۲ با ذکر اینکه یوسف «فقط هفده سال داشت»، نکته‌ای کوچک جلوه داد.

جدا از این اشاره به نقص، تصویر یوسف تماما مثبت است. یوسف وفادارانه به فوطیفار خدمت کرد. در برابر همسر فوطیفار مقاومت کرد. در خدمت خود به فرعون، بی‌کم و کاست بود. وقتی برادرانش به نزد او آمدند، حکیمانه آنها را مورد آزمایش قرار داد. حتی پس از شرارتی که در حق او مرتکب شده بودند هم نسبت به آنها دل‌رحم بود. نسبت به پدرش و بنیامین محبت نشان داد. به عنوان راهبر مصر، ملت‌های فراوانی را برکت داد. موسی از این طرق و بسیاری راه‌های دیگر، از یوسف همان تصویری را ترسیم کرد که یعقوب در ۴۹: ۲۶ یوسف را به آن توصیف کرد؛ یوسف در میان برادرانش «برگزیده» بود.

حال به طور واقع‌بینانه، همه ما بر حسب تجارب مشترک می‌دانیم که یوسف باید بارها در زندگی خود گناه کرده باشد. این در مورد هر انسانی، در هر زمانه‌ای، به غیر از عیسی صادق است. پس چرا موسی تصویری چنین ایده‌آل از یوسف ارائه می‌دهد؟ هدف او چه بود؟ پاسخ در این واقعیت نهفته است که خداوند به یوسف و نوادگان او در بین اسباط اسرائیل اهمیت ویژه‌ای داده بود.

اهمیت ویژه یوسف و نسل او ابتدا در تمهیدات خاصی نمایان می‌شود که در پیدایش ۴۸: ۱-۲۲ برای پسران او انجام شد. در این آیات یعقوب پسران یوسف، افرایم و منسی را، طوری برکت داد که گویی پسران خودش هستند. بر طبق اول تواریخ ۵: ۱، روبین موقعیت نخست‌زادگی خود را به دلیل زنا با محارم از دست داد. بنابراین، وقتی یعقوب افرایم و منسی را مثل پسران خود پذیرفت، به این معنی است که یوسف سهمی دو برابر مانند نخست‌زاده یعقوب پیدا کرد.

یکی از شگفت‌انگیزترین بخش‌های این تمهید در ۴۸: ۱۳-۲۰ پدیدار می‌شود که یعقوب، افرایم را بر منسی برکت داد. یوسف پسرانش را با دقت طوری در حضور یعقوب قرار داد که دست راست یعقوب، دست برکات عظیم‌تر، بر سر منسی قرار بگیرد. و بعد دست چپ یعقوب، دست برکات کوچک‌تر، بر سر افرایم قرار می‌گرفت. این چیدمان به نظر درست می‌آید چون منسی، پسر نخست‌زاده یوسف بود. اما یعقوب بدون توضیح، در حالی که دستانش را دراز می‌کرد، دستانش را از روی هم رد کرد؛ به طوری که دست چپش بر منسی و دست راستش بر افرایم قرار گرفت. یوسف از این موضوع خشنود نشد و کوشید که دست یعقوب را به نفع منسی حرکت دهد. اما بشنوید که بعد در پیدایش ۴۸: ۱۹ چه اتفاقی افتاد:

پدرش ابا نموده، گفت: «می‌دانم ای پسر! می‌دانم! او [منسی] نیز قومی خواهد شد و او نیز بزرگ خواهد گردید، لیکن برادر کهنترش [افرایم] از وی بزرگتر خواهد شد و ذریت او امت‌های بسیار خواهند گردید» (پیدایش ۴۸: ۱۹).

یا شاید بتوان گفت، «یک ملت به خودی خود.» متونی مانند اعداد ۲: ۱۸-۲۱ و تثنیه ۳۳: ۱۷ نشان می‌دهند که افرایم پرتعدادتر و مهم‌تر از منسی شد. در حقیقت، نفوذ افرایم به قدری عظیم بود که بعدها، در طی دوره تقسیم پادشاهی، تمام ملت اسرائیل شمالی معمولاً «افرایم» خوانده می‌شد.

حال، شاید همه اینها به پیروان امروزی مسیح بی‌ربط به نظر برسد. اما اهمیت غیر منتظره‌ای که به افرایم در آن جهان یوسف و برادرانش بخشیده شد، اشاره به تمهید مقرر شده از سوی خدا داشت که به ویژه برای مخاطبین اولیه موسی در جهان آنها اهمیت خاصی داشت. وقتی موسی کتاب پیدایش را نوشت، در شرف تفویض راهبری قوم به یوشع بود. اما یوشع، مانند موسی و هارون از سبط لاوی نبود. او از سبط سلطنتی یهودا نبود. یوشع از سبط افرایم بود، سبطی که خدا با اهمیتی فراتر از همه دیگران برکت داده بود. در واقع، موسی افرایم را در این روایت برجسته کرد تا به انتخاب جانشین خود اعتبار ببخشد. پس از مرگ یوشع بود که سبط یهودا به برتری رسید. یوشع افرایمی، قوم را به سوی سرزمین وعده راهبری می‌کرد.

به عنوان پیروان امروزی مسیح، این جنبه از داستان یوسف و برادرانش ما را فرا می‌خواند تا برکات و نقش‌های متنوعی که خدا در دنیای ما مقرر کرده است را تصدیق کنیم. عیسی در تاسیس پادشاهی خود، قومش را با عطایای متنوعی برکت داد. او برخی را به عنوان رسولان، انبیا، معلمین، و مانند اینها معین کرد. او افراد مختلف را به انواع وظایف و امتیازات فرا خواند. مسیح این تنوع را نه برای تکه‌تکه کردن قوم خود، بلکه برای پیوند دادن آنها به یکدیگر ایجاد کرد. و در طی تداوم پادشاهی مسیح، روح‌القدس عطایایش را بر طبق اراده خود خواهد بخشید. و حتی در زمان تکمیل پادشاهی، ما تنوع را در شیوه‌هایی خواهیم دید که خدا به کسانی که از مسیح پیروی کرده‌اند عزت می‌بخشد. ما باید در به‌کارگیری داستان یوسف و برادرانش در جهان خود، تنوعی را که خدا در هر عصر در بین قوم خود مقرر کرده است، تصدیق کنیم و برای آن ارزش قائل شویم.

## نتیجه‌گیری

در این درس درباره یوسف و برادرانش، به ساختار و محتوای آخرین بخش عمده کتاب پیدایش نگاه کردیم. و دیدیم که موسی چطور از این باب‌ها استفاده کرد تا مضامینی اصلی شامل آنها که در بخش‌های ابتدایی تر پیدایش پدیدار می‌شوند را ترویج کند. و همچنین تاکیدات ویژه موسی در این باب‌ها بر وحدت و تنوع قوم اسرائیل را نیز بررسی کردیم.

داستان یوسف و برادران او نشان می‌دهد که زندگی در صلح چقدر برای پاتریارک‌های اسرائیل دشوار بود. اما در انتها، خدا پیوندهای ماندگار محبت را در بین آنها برقرار کرد. این داستان ناهماهنگی، آشتی، و هماهنگی در اصل نوشته شد تا دوازده سبط اسرائیل را به توبه و وحدت به عنوان قوم خدا در روزگار خودشان بخواند. و امروز نیز

ما را می‌خواند تا در برابر تفرقه مقاومت کنیم و پیوندهای محبت را ترویج دهیم که در بین ما به عنوان پیروان مسیح وجود دارد. ما به عنوان بدن مسیح، در میراث مسیح شریک هستیم. و داستان یوسف و برادرانش راهنمایی لازم‌الاجرا برای این است که چگونه باید امروزه خود را برای خاطر پادشاهی پر جلال او در سرتاسر جهان، وقف وحدت قوم خدا کنیم.